

WWW.ISLAM411.COM

WWW.ISLAM411.COM

WWW.ISLAM411.COM

سلسلهء من یرد الله به خیراً یفقهه فی الدین (۸)
خداوند بهرکس اراده خیر داشته باشد او را در دین آگاهی میدهد

و جوب عمل به سنت رسول الله (ص)
و کفر کسیکه آنرا انکار کند

تألیف:

علامه عبدالعزیز بن عبدالله بن باز

ترجمهء ابي عبدالله:

إسحاق بن عبدالله بن محمد دبیری

چاپ سوم 1423هـ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه مترجم

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَنَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا
مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا ضَلَّ لَهُ وَمَنْ يَضَلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا
شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَمَنْ تَبِعَهُمْ
بِإِحْسَانٍ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ
أَمَّا بَعْدُ:

علم حدیث و سنت رسول الله (ص) علمی است که بوسیله آن اقوال و افعال و
احوال و کردار پیغمبر (ص) شناخته میشود.

سنت یعنی چه؟

در لغت: روش خوب و بد سنت گفته میشود چنانکه رسول الله (ص) فرمودند:

مَنْ سَنَّ سَنَةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَأَجْرُ مَنْ عَمَلَ بِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَمَنْ سَنَّ سَنَةً سَيِّئَةً
فَعَلَيْهِ وِزْرُهَا وَوِزْرُ مَنْ عَمَلَ بِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. [مسلم].

کسیکه سنت و روش خوب بنیان نهد اجر و پاداش آن سنت و پاداش کسیکه به آن
عمل کند، تا روز قیامت به او میرسد، و کسیکه سنت و روش بدی بنیان نهد گناه آن
کردار و گناه کسی که آن کار بد را انجام میدهد تا روز قیامت به بانی آن میرسد.

در اصطلاح محدثین: مجموعه گفتار و کردار و تأیید و وصف کیفیت خلقی و

خلقی ثابت شده از پیغمبر (ص) چه قبل از بعثت، و چه بعد از آن، سنت گفته

میشود.

در اصطلاح اصولیین: قول، فعل، و تقریر یعنی احوال نقل شده از رسول الله (ص) سنت نام دارد. مثال قول: گفتار پیامبر (ص) در هر مناسبتی، و آنچه متعلق است به شرح احکام چنانکه فرمودند

إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ. [متفق علیه].

در حقیقت اعمال و کردار به نیت بستگی دارد.

مثال أفعال و کردار: آنچه صحابه از أفعال و کردار رسول الله (ص) در عبادات و غیره مانند ادای نماز و بجای آوردن حج و آداب روزه و حُکْم و قضاوت کردن در کیفرها و عقوبتها و مجازات الهی نقل کرده اند.

مثال تقریر پیغمبر: اگر از صحابه فعلی صادر میشد و پیامبر (ص) در برابر آن سکوت میکرد، و یا آنرا تأیید مینمود، و یا اینکه آن کار را تمجید میکرد، این چیز تقریر نام دارد.

أهمية مطالعة سنت مصطفی (ص)

بحث در سنت مصطفی (ص) امری بسیار با اهمیت است، و سنت یکی از مصادر تشریح اسلامی است، خصوصاً وقتی میبینیم دشمنان اسلام برای امت اسلامی توطئه میکنند و میخواهند در مورد سنت مصطفی (ص) در دل مسلمانان شك و تردید ایجاد نمایند، زیرا ما در عصری هستیم که نظام عالم مضطرب و آشفته است و از ایجاد راه حلی صلح آمیز برای جهانیان عاجز مانده است.

و عقیده ما مسلمانان بر این است که هیچ راهی برای سعادت دنیوی و آخروی وجود ندارد بجز رجوع به تعالیم مبین اسلام پاك از تحریف و تبدیل و تغییر، چنانکه

رسالت محمدی آنرا برای ما از نزد خداوند آورده است. مصادر تشریح اسلامی در بین مسلمانان ظاهر و آشکار و محفوظ و معروف است. و جای هیچ شك و تردیدی نیست که سنت مطهر پیامبر اسلام (ص) دومین مصدر تشریح بعد از کتاب خدا قرآن میباشد، زیرا غالباً قرآن شامل قواعد عامه و احکام کلی در تشریح اسلامی است، و سنت مطهر شرح دهنده این قواعد و کلیات میباشد. این برای کسی واضح و روشن میگردد که دسترسی به سنت مطهر رسول اکرم (ص) را دارد و آنرا در معرض عمل قرار داده است. در قدیم سنت مطهر از طرف فرقه های گمراه و ملحد مورد حمله قرار گرفته، همچنین در عصر حاضر نیز مورد هجوم بعضی از مستشرقین و خاورشناسان متعصب و مبلغین دین یهود و نصاری و استعمار زده قرار گرفته، آنهم برای ایجاد فتنه و هدم این رکن بزرگ و اساس اسلامی است، و متأسفانه بعضی از کسانیکه مسلمان غرب زده اند به آنان کمک کرده به سنت مطهر طعنه زده و میزنند، از جمله این مسلمان نمایان نویسنده ای بنام أبو ریه میباشد که در کتاب خود (أضواء علی السنة المحمدية) که مصادر و مراجع او بیشتر از آراء معتزله و آراء مستشرقین و از غلات فرقه های گمراه اسلامی است به تشکیک در سنت مطهر رسول اکرم (ص) مبادرت ورزیده است. و ما به سبب این کتاب را که روشنگر اهمیت سنت مطهر رسول الله (ص) میباشد، برای فارسی زبانان جهان ترجمه کرده تا اینکه بتوانند با خواندن و مطالعه آن به اهمیت سنت مطهر پی برند، ناگفته نماند که این کتاب که: (جوب العمل بسنة الرسول (ص) و كفر من أنکرها)، (جوب عمل به سنت رسول الله (ص) و كفر کسیکه آنرا انکار کند) نام دارد از نوشته عالم و دانشمند بزرگ اسلامی علامه الشیخ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز مفتی عام عربستان سعودی است. امیدواریم توانسته باشیم بوسیله ترجمه این کتاب خدمتی به دین مبین اسلام کرده باشیم. قبلاً از خوانندگان محترم از اشتباهات احتمالی در ترجمه و چاپ پوزش

میطلبیم، چون کسی بجز انبیاء و پیامبران علیهم الصلاه والسلام معصوم نیست. و بشر مایه اشتباه است.

از خداوند مسئلت داریم که آنرا خاص برای رضای و خشنودی خود قرار دهد.

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.
وصلی الله علی نبینا محمد و علی آله و صحبه.

أبو عبدالله

إسحاق بن عبدالله بن محمد دبیری

الریاض 1415/6/4 هـ

الحمد لله رب العالمین و العاقبة للمتقین و الصلوة و السلام علی عبده و رسوله نبینا محمد المرسل رحمة للعالمین و حجة علی العباد أجمعین و علی آله و أصحابه الذین حملوا کتاب ربهم سبحانه و سنة نبیهم (ص) إلى من بعدهم بغیة الأمانة و الإیتقان و الحفظ التام للمعانی و الألفاظ و أرضاهم و جعلنا من أتباعهم بإحسان . أما بعد:

علمای اسلام در قدیم و جدید اتفاق کرده اند که اصول و اساس معتبر در اثبات احکام شرعی و بیان حلال و حرام در درجه اول قرآن کتاب خدا است که:

لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ [فصلت: ۴۲]
[باطل از هیچ سمت و سو در آن راه نمییابد]

سپس سنت رسول الله (ص) که از هوی و هوس صحبت نمیکنند، بلکه وحی است که خداوند بر او نازل فرموده است.
سپس إجماع علمای امت اسلامی است.

و علماء در اصول دیگر اختلاف کرده اند که از مهمترین آنها قیاس میباشد.
و جمهور اهل علم بر این هستند که قیاس حجت است اگر شروط معتبر آن کامل
باشد. و دلیل بر این اصول بسیار است که شمارش نمیتوان کرد و شهرتش بیش از
آن است که ما آنرا در اینجا ذکر کنیم.

اما اصل اول:

قرآن کتاب خدا است که در بعضی از جاها این کتاب به وجوب اتباع و پیروی و
تمسک و چنگ زدن به آن، و توقف کردن در حدود قوانین الهی دلالت میکند. خداوند
میفرماید:

اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ
[الأعراف: ۳].

[از آنچه از (جانب) پروردگارتان به سوی شما فرودستاده شده است، پیروی کنید به جای او از
دوستان (و سروران دیگر) پیروی مکنید. چه اندک پند میپذیرید].

و میفرماید:

وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ [الأنعام: ۱۵۵].

[و این کتابی مبارک است که ما آنرا نازل کرده ایم، پس از آن پیروی کنید و پروا دارید تا مورد
رحمت قرار گیرید].

و همچنین میفرماید:

قَدْ جَاءَكُمْ مِّنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُّبِينٌ (۱۵) يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ
سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ
مُّسْتَقِيمٍ [المائدة: ۱۶].

[به راستی از طرف خدا برای شما نور و کتابی روشن آمده است. خداوند با آن کسی را که

خشنودی او را بجوید به راه های نجات هدایت میکند و آنان را به توفیق خود از تاریکیها به سوی نور بیرون میبرد و آنان را به راه راست هدایت میکند.

و میفرماید:

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ (۴۱) لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ
مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ [فصلت: ۴۲].

[بیگمان کسانی که قرآن را - چون به آنان رسید - انکار کردند (از ما نماندند) و به راستی آن کتابی گرانقدر است. باطل از هیچ سمت و سو در آن راه نمیابد از (سوی) فرزانه ستوده فرو فرستاده شده است].

و همچنین خداوند میفرماید:

وَأَوْحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ [الأنعام: ۱۹]

[و این قرآن به من وحی شده است تا با آن شما را و کسی را که (پیامش) به او برسد، بیم دهم].

و همچنین میفرماید:

هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنذِرُوا بِهِ [إبراهيم: ۱۵۲]

[این پیام رساندنی برای مردم است و تا به آن هشدار یابند]

و آیات در این معنا زیاد است.

و احادیث صحیح و ثابت از رسول الله (ص) وارد شده که به تمسك و چنگ زدن به قرآن و اعتصام و پیروی از آن امر میفرماید، و دلالت میکند که هرکس به آن تمسك و چنگ بزند بر هدایت است، و هرکس آنرا ترك کند بر گمراهی است.
و از دلایل آن خطبهء حجه الوداع است که رسول الله (ص) چنین میفرماید:

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ مَا لَنْ تَضَلُوا إِنْ اعْتَصَمْتُمْ بِهِ كِتَابَ اللَّهِ. [مسلم].

من بین شما چیزی گذارده ام که اگر به آن اعتصام کرده و چنگ بزنید و عمل کنید هرگز گمراه نخواهید شد، و آن کتاب خدا (قرآن) است.

و همچنین در صحیح امام مسلم از زید بن أرقم (رض) روایت است که رسول الله (ص) فرمود:

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ التَّقْلِينَ أَوْلَهُمَا كِتَابُ اللَّهِ فِيهِ الْهُدَى وَالنُّورُ فَخَذُوا بَكِتَابِ اللَّهِ وَتَمَسَّكُوا بِهِ. من بین شما دو چیز سنگین و عظیم به امانت گذارده ام یکی کتاب خدا است، هدایت و پیروزی و نور در آن است، آنرا محکم بگیرید و به آن چنگ بزنید.

پس مردم را بسوی کتاب خدا تحریک و تشویق نمود سپس فرمود: و أهل بیت را میان شما میگذارم، دربارہء أهل بیتم از خدا بترسید، و آنرا دو بار تکرار کرد. و در لفظ دیگر: قرآن ریسمان خدا است، کسیکه به آن تمسک ورزد و چنگ بزند او بر راه راست هدایت خواهد بود، و کسیکه آنرا ترک کند بر گمراهی است. إجماع علماء و مؤمنین اعم از صحابه و آنانیکه بعد از آنها آمده اند در مورد وجوب تمسک به کتاب خدا و حکم و قضاوت به آن همراه سنت رسول خدا (ص) کافی است، و نیازی به آوردن دلائل در این مورد و طولانی کردن مطلب نیست.

أصل دوم:

از اصول سه گانه که علمای اسلام بر آن اتفاق و إجماع دارند سنت صحیح رسول الله (ص) است، و کسانیکه بعد از رسول الله (ص) آمده اند به آن اصل و أساس ایمان آورده و آنرا حجت قرار داده و به امت محمدی آموزش داده اند، و کتابهای بسیاری در این باره تألیف کرده اند، و آنرا در کتابهای اصول فقه، و مصطلح حدیث بیان نموده اند.

و دلایل در اینمورد بسیار زیاد است بطوریکه نمیتوان آنها را در حصر و شمار آورد، بعضی از این دلایل در کتاب خداوند، قرآن مجید وارد شده اند و دستور به

پیروی و اطاعت از رسول خدا (ص) می‌دهند و مورد خطاب این دستورات اُمت رسول خدا (ص) در عصر او و کسانی که بعد از او می‌آیند، قرار می‌گیرد. زیرا او برای تمامی جهانیان فرستاده شده و آنها مأمورند تا روز قیامت تابع و پیرو او باشند، و او (ص) مفسر و بیان کننده قرآن است، و مبهم آن با اقوال و کردار و تقریرات او بیان شده است. و اگر سنت پیامبر (ص) نبود مسلمانان تعداد رکعات نماز، چگونگی آن، و واجبات نماز را نمی‌دانستند، و تفصیل و شرح احکام روزه، و زکات، و حج، و جهاد در راه خدا، و امر به معروف و نهی از منکر را نمی‌دانستند، و شرح احکام معاملات از خرید و فروش، و محرمات از حلال و حرام، و واجبات را در مورد کیفرها و مجازاتهای شرعی نمی‌دانستند. و از جمله آیاتی که در این باره نازل شده خداوند میفرماید:

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ [آل عمران: ۱۳۲].

[و از خدا و رسول (او) فرمان برید تا مشمول رحمت قرار گیرید].

و میفرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا [النساء: ۵۹].

[ای مؤمنان، از خداوند اطاعت کنید و از رسول (او) و صاحبان امرتان (هم) اطاعت کنید هرگاه در چیزی اختلاف کردید، اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، آن را به خدا و رسول بازگردانید. این بهتر و نیک انجام تر است].

و میفرماید:

مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّى فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا]

[النساء : ۸۰]

[هرکس از رسول (خدا) اطاعت کند، در حقیقت از خداوند فرمان برده است. و کسیکه روی گرداند، (بدان که) تو را بر آنان نگهبان نفرستاده ایم].

چگونه ممکن است طاعت او و بازگرداندن آنچه مردم در آن اختلاف کرده اند به کتاب خدا و سنت رسول الله (ص) باشد اگر احتجاج به سنت رسول الله (ص) نشود؟ یا اینکه تمام سنت محفوظ نباشد؟ و بنابراین قول باری تعالی بندگان خود را بر چیزی ارجاع داده که وجود ندارد! و این از باطل ترین و پوچ ترین دروغها است، و از بزرگترین کفرها به خدا و سوء ظن به اوست.
خداوند میفرماید:

وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ [النحل: ۴۴]

[و به تو قرآن نازل کردیم تا برای مردم روشن سازی، آنچه را که بر آنان فرود فرستاده شده است، و باشد که اندیشه کنند].

و همچنین میفرماید:

وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ

يُؤْمِنُونَ [النحل: ۶۴]

[و کتاب را بر تو فرود فرستادیم مگر (از آن روی) تا آنچه را که در اختلاف ورزیدند، برایشان روشن سازی و (نیز برای) راهنمایی و بخشایش برای گروهی که ایمان میآورند].

پس چگونه خداوند بیان قرآن نازل شده را به رسول الله (ص) واگذار میکند، اگر سنت وجود نداشته باشد، یا اینکه حجت و ثابت نباشد!

مثال این خداوند میفرماید:

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَإِن تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ [النور: ۵۴].
[بگو: از خداوند فرمان برید و از رسول (او نیز) فرمان برید. و اگر روی بگردانند، بر (عهده) او (پیامبر) تنها همان است که به آن مکلف شده است و بر (عهده) شماست آنچه تکلیف یافته اید. و اگر از او فرمان برید راه خواهید یافت. و بر (عهده) رسول (ما) جز پیام رسانی آشکار نیست].

و میفرماید:

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ [النور: ۵۶]
[و نماز را بر پا دارید، و زکات را بپردازید، و از رسول (خدا) فرمان برید، باشد که مورد رحمت قرار گیرید].

و میفرماید:

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي
يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ [الأعراف: ۱۵۸]
[بگو: ای مردم، من فرستاده خداوند به سوی همه شما هستم، کسیکه فرمانروایی آسمانها و زمین
از آن اوست، معبود (حقی) جز او نیست، زنده میکند و میمیراند. پس به خداوند و رسول او، آن
پیامبر درس ناخوانده ای که به خداوند و سخنان او ایمان دارد، ایمان آورید و از او پیروی کنید،
باشد که راه یابید].

و در این آیات دلیل واضحی است که هدایت و رحمت در اتباع و پیروی از رسول
الله (ص) میباشد.

و این چگونه ممکن است با عمل نکردن به سنت او؟ یا اینکه گفته شود سنت او
صحیح نیست! و یا گفته شود نمیتوان بر آن سنت اعتماد کرد!

و میفرماید:

فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ]

[النور: ۱۶۳]

[پس باید آنان که بر خلاف فرمان او رفتار میکنند از آن برحذر باشند، که بلایی به آنان برسد، یا عذابی دردناک گریبانگیرشان شود]

و خداوند میفرماید:

وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا [الحشر: ۷]

[در اینجا يك قاعده مهم مقرر داشته و آن تبعیت رهبر مسلمین از نصوص شریعت) و آنچه که رسول(خدا) به شما بدهد، آن را بپذیرید. و از آنچه که شما را از آن باز دارد، باز آیید].

و آیات در این موضوع و مطلب بسیار است و همه آنها بر وجوب اطاعت رسول الله (ص) و بر پیروی از آنچه او آورده دلالت میکنند، چنانکه قبلاً دلیل بر وجوب اتباع کتاب خدا و تمسك به آن طاعت و اوامر و نواهی ذکر کردیم، و این دو اصل و اساس ملازم و وابسته به هم هستند و از هم جدا شنی نیستند، هرکس یکی از آن دو را انکار کند مانند اینکه دیگری را انکار و دروغ دانسته، و این به اجماع اهل علم و ایمان کفر و گمراهی و خروج از دایره اسلام میباشد.

و احادیث در وجوب اطاعت رسول خدا (ص) و اتباع و پیروی از آنچه آورده و تحریم معصیت او بطور متواتر وارد شده است؛ و آنها در حق کسیکه در زمان او بوده و بعد از او تا روز قیامت خواهد آمد.

و از جمله این احادیث، حدیث ابیهریره (رض) که رسول الله (ص) فرمودند:

((من أطاعني فقد أطاع الله ومن عصاني فقد عصى الله)). [متفق علیه].

کسیکه از من اطاعت کند، مانند اینکه از خدا اطاعت کرده، و کسیکه از من نافرمانی کند، مانند

اینکه خدا را معصیت و نافرمانی کرده است.

و همچنین أبوهریره روایت میکند که رسول اکرم (ص) فرمودند:

((كل أمتي يدخلون الجنة إلا من أبي قيل يا رسول الله ومن يأبى قال: من أطاعني دخل الجنة ومن عصاني فقد أبى)). [البخاري].

همه امت من داخل بهشت خواهند شد مگر کسیکه خود از دخول آن امتناع ورزد، گفته شد ای رسول الله چه کسی است که از دخول آن امتناع میورزد؟ فرمود: کسیکه از من اطاعت کند داخل بهشت خواهد شد، و کسیکه از من نافرمانی کند، او همان کسی است که خود از دخول آن امتناع ورزیده است.

و أحمد و أبوداود و حاکم با إسناد صحیح از رسول الله (ص) فرمودند:

((ألا إني أوتيت الكتاب ومثله معه، ألا يوشك رجل شبعان على أريكته يقول عليكم بهذا القرآن، فما وجدتم فيه من حلال فأحلوه، وما وجدتم من حرام فحرّموه)).
[أحمد، أبوداود، حاکم، با سند صحیح].

همانا به من قرآن، و مثل و مانند آن (یعنی: سنت رسول الله (ص)) داده شده است، همانا بزودی مردی سیر خورده و تکیه زده بر متکا و بالشت خود که بگوید: بر شماست که فقط پیرو قرآن باشید، و هر چه در آن از حلال یافتید، پس آنرا حلال بدانید، و آنچه در آن از حرام یافتید، آنرا حرام بدانید (۱) .

أبو رافع از پدرش روایت میکند که رسول الله (ص) فرمودند:

((لا ألفين أحدكم متكئاً على أريكته يأتيه الأمر من أمري مما أمرت به أو نهيت عنه فيقول لا ندرى، ما وجدنا في كتاب الله اتبعناه)).
[أبوداود وابن ماجه با سند صحیح].

نبینم که یکی از شما بر بالشت خود تکیه زده و امری از اوامری که من به آن امر کرده ام، و یا از آن نهی کرده ام بر او آید و او گوید: نمیدانم! فقط آنچه در کتاب خدا پیدا کردیم قبول خواهیم

کرد.

و حسن بن جابر از مقدم بن معدی کرب (رض) روایت میکنند که میگوید:

((حرم رسول الله (ص) یوم خیبر اشیاء ثم قال یوشک أحدکم أن یکذبنی وهو متکئ یحدّث بحدیثی فیقول بیننا و بینکم کتاب الله فما وجدنا فیہ من حلال استحللناه، وما وجدنا فیہ من حرام حرمانه، ألا إن ما حرّم رسول الله مثل ما حرّم الله)). [ترمذی وابن ماجه وحاکم].

رسول الله (ص) روز غزوه خیبر چیزهایی را حرام کرده، سپس فرمود: پیدا میشود یکی از شما که مرا تکذیب کند در حالیکه بر بالشت خود تکیه زده و از سخنان من صحبت میکند، سپس میگوید: بین ما و شما کتاب خدا است، هر چه در آن حلال یافتیم، آنرا حلال میدانیم، و آنچه در آن حرام یافتیم، آنرا حرام میدانیم، بدانید که همانا آنچه رسول الله (ص) حرام کرده مانند آن چیزی است که خداوند آنرا حرام فرموده است.

و احادیثی بطور متواتر از رسول الله (ص) ثابت است که در خطبه خود وصیت میفرمود که: حاضرین به غائبین ابلاغ کنند، و میفرمود: ممکن است ابلاغ شده ای برداشت بیشتر و دقت و توجه بهتری از شنونده داشته باشد.

و از آن احادیث متواتر: حدیثی در صحیحین است که رسول الله (ص) در حجه الوداع در خطبه خود در روز عرفه و روز عید قربان برای مردم چنین فرمودند: افراد حاضر به افراد غائب برسانند زیرا ممکن است کسیکه به او ابلاغ شود دقت و توجه بهتری از شنونده داشته باشد.

پس اگر سنت او بر شنندگان و ابلاغ شدگان حجت نبود، و اگر سنت او تا روز قیامت باقی نماند، به آنها دستور تبلیغ داده نمیشد.

پس معلوم میشود که دلیل بودن و حجت بودن سنت او همچنان پا بر جا است، بر شنونده ای که از زبان رسول الله (ص) شنیده، و بر کسیکه برای او با آسانید صحیحه نقل شده است.

و أصحاب و یاران پیامبر (ص) سنت قولی و فعلی او را حفظ کرده اند و همچنین تابعین، سپس تابعین آنرا ابلاغ کرده اند به نسل بعدی خود، و همچنین علماء و دانشمندان ثقه که گفتار آنان مورد اعتماد میباشد نسل بعد از نسل، و قرن بعد از قرن نقل کرده اند.

و آنرا در کتاب های خود جمع آوری و بیان کرده اند و صحیح و ضعیف آنرا بیان کرده اند. و برای شناخت احادیث صحیح و ضعیف قوانین و ضوابط معینی بین خود قرار داده اند تا بوسیله این قوانین صحیح و ضعیف احادیث شناخته شوند. و علماء و دانشمندان، کتابهای سنت اعم از صحیح بخاری و مسلم و کتاب های دیگر را بخوبی و بطور کامل حفظ کرده اند، همچنانکه خداوند کتاب خودش (قرآن) را طبق وعده اش از بازیچه قرار گرفتن، و الحاد، و کفر کافران، و تحریف و تغییر یاوه گویان حفظ نموده است، چنانکه میفرماید:

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ [الحجر: ۹].

[بیگمان ما قرآن را فر فرستاده ایم و به راستی ما نگهبان آن هستیم].

و جای هیچ شك و تردیدی نیست که سنت رسول الله (ص) وحی نازل شده است، و خداوند آنرا حفظ فرموده، چنانکه کتاب خود قرآن را حفظ فرموده، و باری تعالی برای آن سنت علمائی نقاد و جداکننده خوب از بد برانگیخته که تحریف و تغییر و تبدیل باطل اندیشان و یاوه گویان، تعبیر و تفسیر جاهلان را از آن دور میکنند، و هر آنچه را که دروغگویان نادانان و ملحدان به آن چسبانیده اند دور میکنند، زیرا باری تعالی آنرا تفسیری برای قرآن کتاب خود، و بیان آنچه مبهم و مشکل است از احکام قرار داده، و ضمن آن احکام دیگری است که نص آن در قرآن وارد نشده، مانند تفصیل و شرح احکام دوران شیرخوارگی بچه ها، و بعضی از احکام میراث، و تحریم جمع بین زن و عمه او، و بین زن و خاله او، و غیر از این از احکام که

در سنت صحیح رسول الله (ص) وارد شده و در قرآن از آن ذکری نیست.
ذکر بعضی از آنچه از صحابه و تابعین و اهل علم و دانش در تعظیم سنت رسول
الله (ص) و جوب عمل به آن وارد شده در صحیحین از ابو هریره t روایت است
که گفت وقتی رسول الله (ص) دنیا را وداع گفتند بعضی از عرب کافر شدند، ابوبکر
t گفت: سوگند به خدا که جنگ خواهم کرد با کسیکه بین نماز و زکات فرق گذارد،
عمر بن الخطاب t به او گفت: چگونه با آنان جنگ میکنی در حالیکه رسول الله
(ص) فرمودند:

((أمرت أن أقاتل الناس حتى يقولوا لا إله إلا الله فإذا قالوها عصموا مني دماءهم
وأموالهم إلا بحقها)). [متفق عليه].

مأمور شده ام با مردم بجنگم تا اینکه بگویند: لا إله إلا الله: معبود بحقی بجز خدای یکتا نیست، پس
اگر آنرا گفتند جان، و مال آنها، بجز به حق آن (۱) از من حفظ میشود.

و ابوبکر صدیق (رض) گفت آیا زکات از حق آن نیست؟ سوگند به خدا اگر گردنبند
شتری که به رسول الله (ص) میدادند از من منع کنند به خاطر منع آن، با آنان جنگ
خواهم کرد، عمر t گفت در نتیجه دانستم که خداوند سینه و قلب ابوبکر را برای
جنگ روشن کرده و دانستم که او بر حق است.

و صحابه (رض) رأی و مشورت ابوبکر t برای قتل اهل ردت را قبول کردند و با
او به جنگ پرداختند تا اینکه آنان را به اسلام برگردانند، و کسیکه بر آن اصرار کرد
او را کشتند.

و این قصه برای تعظیم و بزرگداشت سنت رسول الله (ص) و جوب عمل به آن
واضح ترین دلیل است.

مادر بزرگی بسوی ابوبکر آمد و از میراث خود سؤال کرد، ابوبکر (رض) به او
جواب داد که در کتاب خدا حقی برای تو در این باره وارد نشده، و نمیدانم که رسول
الله (ص) در این مسأله قضاوتی کرده باشد، و از مردم سؤال خواهم کرد، سپس از

صحابه y سؤال کرد و بعضی از آنها شهادت دادند که رسول اکرم (ص) مادر بزرگ را سهم يك ششم داده، پس أبوبکر (رض) به آن قول قضاوت کرد.

عمر (رض) عاملان خود را وصیت میکرد که بین مردم با کتاب خدا قضاوت و حکم کنند، و اگر در کتاب خدا آن حکم را نیافتند به سنت رسول اکرم (ص) رجوع کنند، و وقتی در باره سقط جنین که در شکم مادر مرده است به سبب تعدی و ظلم به او اشکال پیدا کرد از صحابه (رض) سؤال کرد، محمد بن مسلمه و المغیره بن شعبه رضی الله عنهما نزد او گوهی دادند که رسول الله (ص) درباره این به آزاد کردن کنیزی و یا برده ای قضاوت کرده، پس عمر (رض) به آن حکم قضاوت کرد.

و وقتی عثمان (رض) حکم عزاداری زنی که شوهرش فوت کرده را نمیدانست کجا باید عزادار باشد، فریعه دختر مالک بن سنان خواهر أبوسعید الخدری رضی الله عنهما به او خبر داد: رسول الله (ص) به او امر فرمودند بعد از وفات شوهرش در خانه اش عزاداری کند تا اینکه حداد و عزای او تمام گردد پس عثمان (رض) به همان حکم قضاوت کرد. و همچنین در اجرای کیفر و عقوبت و مجازات و شلاق زدن بر شراب خواری ولید بن عقبه به سنت پیامبر (ص) قضاوت کرد.

و وقتی به علی (رض) خبر رسید که عثمان (رض) از حج تمتع منع میکند، علی (رض) حج تمتع انجام داد - یعنی به حج و عمره با هم لبیک گفت - و فرمود: سنت رسول الله (ص) را به خاطر قول و سخن يك نفر ترك نمیکنم.

و وقتی بعضی از مردم بر عبدالله بن عباس رضی الله عنهما در مورد حج تمتع اعتراض کردند و گفتند: أبوبکر و عمر به حج افراد تشویق کرده و آنرا مقدم میدانستند، عبدالله بن عباس رضی الله عنهما گفت: میتراسم که سنگهایی از آسمان بر شما پرتاب شود، من میگویم رسول الله (ص) چنین فرمودند، و شما میگوئید أبوبکر و عمر چنین گفتند!

پس کسیکه به خاطر قول أبوبکر و عمر با سنت مخالفت نماید، بیم آن میرود که دچار عذاب شود، پس حال کسانی که به خاطر قول غیر أبوبکر و عمر رضی الله عنهما

مجرد به رأی و اجتهاد خود با سنت مخالفت میکنند، چه خواهد شد؟
و وقتی بعضی از مردم با عبدالله بن عمر بن الخطاب رضی الله عنهما در مورد
بعضی از سنتها اختلاف کردند، عبدالله (رض) گفت: آیا ما مأموریم که تابع عمر
باشیم؟

و وقتی مردی به عمران بن حصین رضی الله عنهما گفت: ما را از کتاب خدا قرآن
سخن بگو، و او داشت سخن از سنت و حدیث رسول الله (ص) میآورد عصبانی شد
و گفت: سنت بیان کننده و تفسیر کننده کتاب خداست، اگر سنت نبود نمی دانستیم که
نماز ظهر چهار رکعت است و مغرب سه رکعت است، و صبح دو رکعت است، و
تفصیل و شرح احکام زکات و غیر از اینها که در سنت است نمیدانستیم.
و اخبار بسیاری از صحابه (رض) در تعظیم شأن سنت و جوب عمل به آن و
تحدیر از مخالفت به آن وارد شده است.
و همچنین عبدالله بن عمر رضی الله عنهما وقتی روایت کردند که رسول الله (ص)
فرمودند:

((لا تمنعوا إماء الله مساجد الله)). [متفق علیه].

کنیزان خدا (زنان مسلمان) را از رفتن به مساجد منع مکنید.

بعضی از پسران او گفتند: سوگند به خدا که آنان را منع میکنیم، پس بر آنها عصبانی
شد و به آنان بدی گفت، و گفت: میگویم رسول الله (ص) فرمودند، و میگوئید سوگند
به خدا آنان را منع میکنیم!

و وقتی عبدالله بن المغفل المزنی (رض) (و او از صحابه رسول الله (ص) میباشد)
دید یکی از نزدیکانش سنگریزه را بر یکدیگر پرتاب میکنند از آن عمل منع کرد و به
او گفت رسول الله (ص) از پرتاب کردن سنگریزه و ریگ نهی فرمودند و فرمودند:
این سنگریزه ها چیزی را صید نمیکند، و دشمنی را شکست نمیدهد، و او را باز
نمیدارد، ولیکن دندانی را میشکند، و چشمی را بیرون میآورد و کور میکند، سپس او

را در وقت دیگری دید که همان کار را انجام میدهد، گفت سوگند به خدا که تا ابد با تو سخن نخواهم گفت، تو را از رسول الله (ص) با خبر میکنم که از آن نهی فرمودند، سپس دوباره آنرا انجام میدهی؟
و امام بیهقی در کتاب خود (سنن الکبری) از ایوب السختیانی تابعی جلیل روایت میکند که گفت: اگر سنت رسول را برای مردمی بسخن و گفتار آوردی و او گفت ما را از این واگذار و از قرآن سخن بگو، بدان که آن شخص گمراه است.
و امام أوزاعی رحمت الله علیه گوید: سنت حکم کننده و شرح دهنده کتاب خدا است، و مطلق های کتاب را مقید میکند و یا به احکامی که در قرآن ذکر نشده میپردازد.
چنانکه خداوند میفرماید:

أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ [النحل: ٤٤]

و قبلاً گفتار رسول الله (ص) را ذکر کردیم که فرمودند:

((ألا إني أوتيت الكتاب ومثله معه)).

همانا به من قرآن و مانند آن داده شده است.

و امام بیهقی از عامر الشعبي رحمت الله علیه روایت میکند که به بعضی از مردم گفت:

((إنما هلكتم في حين تركتم الآثار)). [البیهقی].

براستی شما هلاک و گمراه شدید وقتی اثر و سنت صحیح رسول الله (ص) را ترک کردید.

و امام بیهقی رحمه الله از امام أوزاعی رحمت الله علیه روایت میکند که به بعضی از دوستان و یاران خود گفت: اگر از رسول اکرم (ص) حدیث و سنتی بتو رسید مبادا به غیر از آن سخن بگویی، زیرا رسول الله (ص) ابلاغ کننده ای از جانب باری تعالی

بود.

و امام بیهقی از امام سفیان بن سعید الثوری رحمهما الله روایت میکند که گفت: همانا همه علم و دانش علم به سنت و آثار رسول الله (ص) میباشد.

و امام مالک رحمه الله به طرف قبر رسول الله (ص) رو کرد و فرمود: سخن و گفتار همهء ما قابل رد است، مگر سخن و گفتار صاحب این قبر که قابل رد نیست) (۱).

(۱) یعنی قول صحیح او واجب القبول است .

و امام أبوحنیفه رحمه الله گوید: اگر حدیث و سنتی از رسول الله (ص) آمد آنرا بر سر و چشم میگذاریم.

و امام شافعی رحمه الله گوید: هرگاه از رسول الله (ص) حدیث صحیحی روایت کردم و آنرا نگرفتم و عمل نکردم شما را گواه میدانم که عقل خود را از دست داده ام.

و همچنین امام شافعی میگوید: اگر سخن و گفتاری گفتم و حدیث رسول الله (ص) بر خلاف گفته من بود، پس قول و گفتار مرا به دیوار بزیند.

و امام أحمد بن حنبل رحمه الله به بعضی از یاران خود گفت: مرا تقلید مکنید، و امام مالک را تقلید مکنید، و امام شافعی را تقلید مکنید، و از آنجائیکه بگیری که ما آنرا گرفتیم، (یعنی از احادیث پیامبر اکرم (ص)).

و همچنین امام أحمد میگوید: تعجب کردم از اقوامی که اسناد و صحت اسناد حدیث رسول الله (ص) را دانسته سپس میروند و رأی سفیان را میگیرند. و خداوند میفرماید:

فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ]
النور: ۶۳].

[پس باید آنان که بر خلاف فرمان او رفتار میکنند از آن برحذر باشند، که بلایی به آنان برسد، یا

عذابی در دناك گریبانگیرشان شود].

سپس گفت: آیا میدانی فتنه چیست، فتنه شرك است، ممکن است اگر بعضی از گفتار رسول الله (ص) را رد کرده قبول نکند در قلب او گمراهی افکنده شود و هلاك گردد. و امام بیهقی از مجاهد بن جبر تابعی جلیل روایت میکند در قول خداوند:

فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ [النساء: ۵۹].

[اگر در باره چیزی اختلاف نمودید برای رفع اختلاف به کتاب خدا و سنت رسول الله (ص) مراجعه کنید تا حل اختلاف از کتاب و سنت بیابید].

گفت: برگردانیدن بسوی خدا یعنی: بسوی کتاب او، و برگردانیدن بسوی رسول یعنی: بسوی سنت اوست.

پس اگر در چیزی اختلاف کردید آنرا بسوی خدا و رسول خدا برگردانید.

و امام بیهقی از محمد بن شهاب زهری رحمه الله روایت میکند که گفت: کسانی که از علماء و دانشمندان ما رفتند و فوت کردند میگفتند اعتصام و پیروی از سنت رسول الله (ص) نجات و پیروزی است.

و موفق الدین بن قدامه رحمه الله در کتاب خود: روضة الناظر در بیان اصول احکام چنین میگوید: أصل و أساس دوم از دلایل، سنت رسول الله (ص) میباشد، و گفتار رسول الله (ص) حجت است زیرا از دلایل معجزات بر صدق و راستی اوست، و خداوند به طاعت او و تحذیر از مخالفت او امر فرموده است. و امام ابن کثیر رحمه الله در تفسیر این آیه گوید:

فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ]

[النور: ۶۳].

[پس باید آنان که بر خلاف فرمان او رفتار میکنند از آن برحذر باشند، که بلایی به آنان برسد، یا

عذابی دردناک گریبانگیرشان شود].

یعنی: از اوامر رسول الله (ص)، آنها طریقه و راه و روش و سنت و شریعت اوست، پس گفتار و کردار بنیادم با گفتار و کردار رسول الله (ص) مقایسه و مطابقت میشود، و آنچه موافق آن بود قبول، و آنچه مخالف آن بود مردود و بر قائل و گوینده او برگردانیده میشود، و آن هم هرکه خواهد باشد. چنانکه رسول الله (ص) فرمودند:

((من عمل عملاً لیس علیه أمرنا فهو رد)). [متفق علیه].

هر کس عمل و کرداری انجام دهد که راه و روش ما بر آن نیست آن عمل و کردار مردود و غیر قابل قبول است.

پس بترسد و برحذر باشد کسیکه ظاهراً و باطناً مخالف شریعت رسول الله (ص) باشد (أن تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ).

که به آنان مصیبتی در قلبهایشان از کفر و نفاق و بدعت بوجود آید. (أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ).

یعنی در دنیا به گشتن و یا مجازات و یا زندان و غیر از اینها مبتلا شوند. از امام احمد بن حنبل از عبدالرزاق از معمر از همام ابن منبه روایت است که ابوهریره گفت: رسول الله (ص) فرمودند:

((مَثَلِي وَمَثَلِكُمْ كَمَثَلِ رَجُلٍ اسْتَوْقَدَ نَاراً فَلَمَّا أَضَاعَتْ مَا حَوْلَهَا جَعَلَ الْفَرَّاشُ وَ هَذِهِ الدَّوَابُّ اللَّائِي يَقَعْنَ فِي النَّارِ يَقَعْنَ فِيهَا وَجَعَلَ يَحْجِرُهُنَّ وَيَغْلِبْنَهُ فَيَفْتَحِمْنَ فِيهَا قَالَ فَذَلِكَ مَثَلِي وَمَثَلِكُمْ، أَنَا أَخَذُ بِحِجْرِكُمْ عَنِ النَّارِ، هَلُمَّ عَنِ النَّارِ فَتَغْلِبُونِي وَتَقْتَحِمُونِ فِيهَا)). [متفق علیه].

مَثَل من و مَثَل شما مانند مردی است که آتشی روشن کرده وقتی اطراف خود را نورانی و روشن کرد و پروانه ها و حشرات که اطراف آن میگردند در آتش میافتند، آن مرد جلوگیری

میکنند و نمیگذارد که پروانه ها و حشرات در آتش بیفتند ولی بر او غلبه کرده خود را در آتش میاندازند، فرمود: پس این مثل من و شماست، من کمر بند شما را گرفته از آتش دور میکنم، و شما بر من غلبه کرده و هجوم میکنید و خود را در آتش میاندازید.

و امام سیوطی رحمه الله در کتاب خود: (مفتاح الجنه فی الاحتجاج بالسنه) (کلید بهشت در حجیت سنت رسول الله (ص)) چنین میگوید:

(بدانید - خدا شما را رحمت کند - هرکس حجیت حدیث رسول الله (ص) قولی و فعلی با شروط معروف آن در اصول دین را انکار کند (ص) کافر میباشد، و از دایره اسلام خارج است، و روز قیامت با یهود و نصاری و با فرقه ها و طائفه های گمراه و کافر محشور خواهد شد).

و اخبار از صحابه و تابعین و کسانی که بعد از ایشان آمده اند از علماء و دانشمندان در تعظیم سنت و جوب عمل به آن و تحذیر از مخالفت آن بسیار زیاد وارد شده است.

و امید است آنچه در اینجا ذکر شد از آیات و احادیث و اخبار، برای کسیکه حق طلب است کافی و قانع کننده باشد، و از خداوند برای خود و تمامی مسلمانان توفیق به آنچه رضایت آنرا دارد مسئلت دارم، و سلامت از اسباب خشم و غضب او، و اینکه تمامی ما را به راه مستقیم هدایت فرماید، او شنوا و نزدیک است. و صلی الله وسلم علی عبده ورسوله نبینا محمد و علی آله و أصحابه و أتباعه بإحسان.

عبدالعزیز بن عبدالله بن باز

مفتی عام عربستان سعودی و رئیس کبار علماء

و رئیس دایره بحثهای علمی و فتوای شرعی